

# جَنَّةُ الْمَعْلَاةِ

سید علی قاضی عسکر

در دهانه کوه «حَجُون» در مکه مکرمه دره‌ای وجود دارد که به نام «شعب اَبی دُبّ» معروف است.<sup>۱</sup> اَبی دُبّ مردی از قبیله بنی سُواء بن عامر است که چون ساکن آن دره بوده، این مکان را به اسم او، نامگذاری کرده‌اند.<sup>۲</sup>

یاقوت حموی در معرفی این شعب می‌نویسد:

شعب اَبی دب در مکه واقع شده، و ابودُبّ مردی از قبیله بنی سُواء بن عامر بن صعصعه بوده است.<sup>۳</sup>

این درّه که در شمال شرقی مکه قرار گرفته، «شعب جَزْارین»؛ یعنی درّه قصابان نیز نامیده می‌شود.<sup>۴</sup>

برخی نیز این درّه را «شعب المقبره» نام نهاده‌اند.<sup>۵</sup> علت این نامگذاری این است که از دوره جاهلی به این طرف، مردگان اهل مکه در همین مکان به خاک سپرده می‌شدند. ازرقی نوشته است:

مردم مکه در دوره جاهلی و آغاز اسلام، مردگان خود را در درّه اَبی دُبّ که بخشی از حجون است تادره «صُفّی» یعنی «صُفّی السَّبَابِ» و در دره‌ای که پیوسته به گردنه مدینین است و امروز این بخش، گورستان مردم مکه است دفن می‌کردند، سپس منطقه گورستان بالاتر کشیده و پیوسته به کوه و گردنه اذآخر و کنار محوطه حرمان شد.

وی در جای دیگر می‌نویسد: «مردم مکه مردگان خویش را در دوره جاهلی و آغاز اسلام، در سمت راست و چپ وادی دفن می‌کردند. سپس همگان گورهای مردگان خویش را در درّه سمت چپ قرار دادند و امروز هم گورهای مردم مکه عموماً همان جاست، مگر قبور خاندان‌های عبدالله بن خالد بن اسید بن ابی العیص بن امیه بن عبدشمس و سفیان بن عبدالاسد ابن هلال بن عبدالله بن عمر بن مخزوم که آنان همچنان مردگان خود را در گورستان بالا و کنار چشمه و نخلستان خرما دفن می‌کنند».<sup>۶</sup>

ابن ظهیرة در توضیح این مطلب می‌گوید: «مقصود از سمت راست، درّه ابی دب است که امروز معروف به درّه عفرایت و درّه سلاخ‌هاست و مقصود از سمت چپ درّه صفی است».<sup>۷</sup>

این قبرستان در گذشته به مقبره المعلاة معروف بوده و برخی نیز آن را مَعْلَى (به لام و یا) نامیده‌اند.<sup>۸</sup> و در میان اهل مکه، «جنت المعلاة» شناخته می‌شود.<sup>۹</sup>

ابن عباس می‌گوید: پیامبر - ص - درباره این گورستان فرمود: «این گورستان مردم مکه، چه نیکوگورستانی است».<sup>۱۰</sup>

کثیر بن کثیر (از شعرای مشهور قرن اول هجری) درباره این گورستان اشعاری این چنین سروده است:

كَمْ بِذَلِكَ الْحَجُّونَ مِنْ أَهْلِ صِدْقٍ      وَ كُثُوبٍ أَعْفَى وَ شَبَابِ  
سَكَنُوا الْجَزْعَ جَزْعَ بَيْتِ أَبِي مَوْ      سَنِ إِلَى النَّخْلِ مِنْ صُفَى السَّبَابِ

«در این حجون چه بسیار دوستان راستین از پیران و جوانان پاکدامن خفته‌اند، آنان در محله «جزع» که محل «جزع» که محل خاندان ابوموسی است تا سرزمین «نخل» و «صفی السباب» سکونت داشتند».<sup>۱۱</sup>

این گورستان و منطقه حجون در گذشته کاملاً مشخص بوده و شعرای عرب، درباره آن اشعار فراوانی سروده‌اند از جمله:

۱ - فَلَمَّا التَّفَيْنَا بِالْحَجُّونِ تَنَفَّسْتُ      تَنَفَّسَ مَحْزُونِ الْفَوَادِ سَقِيمِ<sup>۱۲</sup>

«هنگامی که در حجون به هم رسیدیم آهی کشید، آهی که از یک انسان دلگرفته بیمار برمی‌خیزد».



دیگری می‌گوید:

۲ - و ارادتِ الكَئیدِ مُجْتَرَعَاتِ حُزْنِ وَادِي الْحَجُونِ بِالْأَنْقَالِ<sup>۱۳</sup>

«شترانی که تشنه به سرزمین کدید\* رسیدند، و با بار سنگین از درّه حجون گذشتند.»

و شاعر دیگری چنین می‌سراید:

۳ - لِيَالِي سُمَارِ الْحَجُونِ إِلَى الصَّفَا حُرَاةٌ اذْخَلَتْ لَهَا الْبَيْتَ جُرْهُمَ

«شبهای شب زنده‌داران حجون تا صفا؛ یعنی خزاعه، هنگامی که جرهمیان خانه خدا

را برای آنان گذاشتند.»

و لَوْ نَطَقَتْ بَطْحَاوُهَا وَ حَجْوُهَا وَ خَيْفٌ مِئِي وَ الْبَازِمَانِ وَ زَمَزَمِ<sup>۱۴</sup>

اگر سرزمین بطحا و حجون به سخن درآیند، و خیف در منی و مازمین\*\* و زمزم نیز

زبان داشته باشند.»

در روایتی از پیامبر - ص - که ابن عباس آن را نقل می‌کند آمده است:

\* کدید، جایی میان مکه و مدینه، در چهل و دو میلی مکه (معجم المعالم الحجاز، ج ۷، ص ۲۰۴)

\*\* مازمین دو کوه یا درّه میان آنها میان مشعر و منی نزدیک وادی محتر.

«هر کس در این گورستان (گورستان مکه) دفن شود روز قیامت ایمن مبعوث می‌شود».<sup>۱۵</sup>

یکی از امتیازات این گورستان این است که برابر با بخشی از کعبه قرار دارد. ازرقی می‌گوید: پدر بزرگم می‌گفت:

«هیچ درّه‌ای را در مکه نمی‌شناسیم که کاملاً روبروی بخشی از کعبه باشد و در آن انحرافی نباشد، مگر همین دره‌ای که گورستان است که بطور مستقیم رویاروی و برابر کعبه است».<sup>۱۶</sup>

مقبرة المعلاة از گذشته تا کنون مورد احترام مردم مکه بوده و برخی نیز عقاید خاصی درباره آن داشته‌اند.

محمد بن منصور می‌گوید: از افراد مورد اعتماد ساکن مکه شنیدم که می‌گفتند ابا نصر ابن الفخار گفته است: «در خواب دیدم انسانی را که در قبرستان معلاة به خاک سپرده شده بود، از قبر خارج ساخته، به محل دیگری منتقل می‌کنند علّت آن را پرسیدم، گفتند: این قبرستان بدعت‌گزاران را در خود نمی‌پذیرد».<sup>۱۷</sup>

برخی از اهل سنت زیارت این قبرستان را بدان جهت که تعدادی از صحابه و تابعین و بزرگان از علما و شایستگان را در خود جای داده، مستحب دانسته‌اند.<sup>۱۸</sup> و از آنجا که کوه حجون مشرف بر این قبرستان است، برخی آن را «مقبرة الحجون» نامیده‌اند.<sup>۱۹</sup>

جوهری می‌گوید: «حَجُون (به فتح حاء) کوهی است در مکه و آنجا قبرستان است».<sup>۲۰</sup> ابن اثیر نیز می‌گوید: «حَجُون کوهی است در مکه مشرف بر شعب جزّارین (قصابان)». ابن مسعود در روایتی گفته است:

«روزی پیامبر - ص - در کنار این قبرستان توقف نموده و فرمود: خداوند از این بقعه، یا از این حرم هفتاد هزار نفر را برمی‌انگیزد و بدون حساب به بهشت وارد می‌کند، هر یک از آنان هفتاد هزار نفر را شفاعت می‌کنند، چهره‌هایشان همچون ماه شب چهارده درخشان است».

آنگاه ابابکر پرسید: ای رسول خدا - ص - اینان کیانند؟ فرمود: ایشان غریبانند.<sup>۲۱</sup>

محمد حسین هیکل در توصیف گورستان معلاة می‌نویسد:

«قبرستان معلاة در شمال شرقی مکه قرار گرفته، و از شمال و غرب میان دو کوه

محصور است. در فاصله بین قبرستان و کوهها از سمت شرق، مساجد و خانه‌هایی وجود دارد. پیشینه این گورستان به قبل از اسلام برمی‌گردد و از آن زمان تا کنون پیوسته قبرستان مردم مکه بوده است. شاید علت آن که این قبرستان تا کنون باقی مانده، قداستی است که مردم مکه برای قبور قدیمی آن قائلند.<sup>۲۲</sup>

فاصله گورستان معلّاه تا باب بنی شیبه در مسجدالحرام ۲۱۲۷ ذراع یعنی حدود ۱۰۴۲ متر است.<sup>۲۳</sup>

در قبرستان معلّاه بسیاری از چهره‌های سرشناس تاریخ اسلام مدفونند که اسامی برخی از آنان بدین شرح است:

۱- قصی بن کلاب:

وی در شمار اولین کسانی است که در حجون مدفون شد، او در مکه بمرد و بدنبال دفن وی در حجون، مردم نیز مرده‌های خویش را در این مکان به خاک سپردند.<sup>۲۴</sup>

۲- عبد مناف.<sup>۲۵</sup>

۳- عبدالمطلب.<sup>۲۶</sup>

۴- هاشم.<sup>۲۷</sup>

۵- ابوطالب<sup>۲۸</sup> وی در سن هشتاد و چند سالگی و در سال دهم بعثت وفات یافت و در قبرستان حجون مدفون شد.<sup>۲۹</sup>

۶- حضرت خدیجه بنت خویلد(س) همسر باوفای رسول خدا - ص - و امّ المؤمنین. ایشان پس از خروج از شعب ابی طالب و پایان یافتن تحریم اقتصادی دشمن، در سنّ ۶۵ سالگی بدرود حیات گفت و در حجون دفن گردید.<sup>۳۰</sup> مرگ خدیجه برای پیامبر - ص - سنگین بود و آن حضرت را بشدت غمگین و متأثر ساخت.

۷- قاسم فرزند رسول خدا - ص -.<sup>۳۱</sup>

۸- طیب (عبدالله) فرزند رسول خدا - ص -.<sup>۳۲</sup>

رسول خدا - ص - در مکه دارای فرزندی شد به نامهای:

۱- قاسم ۲- طیب (عبدالله) ۳- طاهر ۴- زینب ۵- رقیه ۶- ام کلثوم ۷- فاطمه (سلام

الله علیها)

این هشام می‌گوید: «قاسم از همه بزرگتر بود و پس از او طیب و طاهر بودند».<sup>۳۳</sup>

قاسم قبل از بعثت بدنیا آمد، لیکن عبدالله که نام دیگرش طیب است و نیز طاهر در دوران اسلام و پس از بعثت متولد شدند.<sup>۳۴</sup>

۹ - سمیه مادر عمّار اولین زن شهیده اسلام، نام وی سمیه دختر خباط است.

۱۰ - عبدالله فرزند یاسر و برادر عمّار.

۱۱ - حذامه بنت خویلد خواهر حضرت خدیجه کبری - علیها سلام -

۱۲ - اسماء دختر ابابکر.

۱۳ - زینب بنت مظعون خواهر عثمان بن مظعون و همسر عمر بن خطاب.

۱۴ - عبدالله فرزند شهاب بن عبدالحرث جدّ محمد بن شهاب زهری.

۱۵ - عبدالله فرزند عمر بن خطاب، مادر وی زینب بنت مظعون بود، وی در سال ۷۴ هجری در ۸۴ سالگی در مکه درگذشت، چون مرگش فرارسید به عبدالله بن خالد وصیت کرد که حجاج بن یوسف ثقفی - که پس از کشتن عبدالله بن زبیر امیر مکه بود - بر او نماز گزارد، عبدالله بن خالد شبانه بر جسد عبدالله بن عمر نماز گزارد و او را در همین مکان که اینک مدفون است دفن کرد.<sup>۳۵</sup>

۱۶ - عبدالله فرزند زبیر بن عوام.<sup>۳۶</sup>

مجدالدین ابی الطاهر محمد بن یعقوب حافظ فیروزآبادی\* و محمد بن علوی مالکی هر یک در رابطه با دفن شدگان در حجون تألیفاتی داشته و به تفصیل اسامی برخی از صحابه، تابعین، دانشمندان و عرفای مدفون در این گورستان را ذکر کرده‌اند.<sup>۳۷</sup>

برخی از مورّخان گمان کرده‌اند قبر آمنه بنت وهب بن عبد مناف، مادر پیامبر - ص - نیز در این قبرستان قرار دارد، لیکن ابن هشام در سیره، و محمد بن سعد در طبقات گفته‌اند: «مرگ آمنه - سلام الله علیها - در ابواء؛ از منازل میان مکه و مدینه اتفاق افتاد، و در همان مکان نیز به خاک سپرده شد».<sup>۳۸</sup>

ابواء در ناحیه شرقی شهر - مستوره - واقع شده و از رابع تا ابواء حدود ۴۳ کیلومتر است.<sup>۳۹</sup>

گورستان حجون تا قبل از سلطه وهابی‌ها مورد توجه خاصّ مکّیان و زائران بیت‌الله

\* نام این کتاب - ائارة الحجون الی زیارة الحجون - می‌باشد که در چاپخانه ماجدیه مکه در سال ۱۳۳۲ ه. ق به رشته طبع درآمده است.

الحرام بوده، و مردم برای زیارت قبور به آنجا می‌آمدند. محمد حسین هیکل در این زمینه می‌نویسد: «قبور قبرستان معلّاه، هم اینک صاف و با زمین برابر است لیکن قبل از سلطه وهایی‌ها بر حجاز اینچنین نبوده است.

بر بالای قبور آثاری وجود دارد که بر روی آن با خط کوفی، و یا خط ثلث زیبا، آیات قرآن و در برخی موارد اسامی صاحبان قبور نوشته شده است. وی که به همراه دوستش شیخ عبدالحمید به زیارت این قبرستان رفته در ادامه می‌نویسد:

نگهبان گورستان ما را کمی دورتر از قبرها نگهداشت و با اشاره دست، صاحبان آنها را معرفی می‌کرد و می‌گفت: این قبر عبدالله بن زبیر است، این قبر اسماء دختر ابابکر است... در طرف کوه و شمال گورستان دیوار بلندی وجود داشت که به دلیل بلندی آن، قبور مشخص نبود، حمیدی به من گفت: وهایی‌ها این دیوار را کشیده‌اند تا قبر مادر مؤمنان خدیجه [علیهاسلام] و قبور بنی‌هاشم و اجداد رسول خدا - ص - از دیدگان مخفی بماند و حاجیان و زائران برای تبرک جویی به آنها نزدیک نشوند.<sup>۴۰</sup>

نگهبان قبرستان گفت: روی قبر خدیجه [علیهاسلام] گنبدی بلند و زیبا بود که طبق عقیده مورخان در سال ۹۵۰ هجری و در دوره حکومت داودپاشا بوسیله «محمد بن سلیمان جرکسی» رئیس دفتر وی بناگردید و پس از سلطه وهاییان و ورود آنان به شهر مکه به دست آنان ویران شد.

قبور عبدالمطلب، عبدمناف اجداد رسول خدا - ص - و نیز ابوطالب عموی آن حضرت گنبدهایی داشته که همه را تخریب کرده‌اند.<sup>۴۱</sup>

«پاشا» هنگام ورود به مکه در قبرستان معلّاه، قبه‌های قبور حضرت خدیجه - علیهاسلام - عبدمناف، عبدالمطلب، هاشم، و ابی‌طالب را دیده و تصاویر آن را در پایان کتاب خود به چاپ رسانده است.<sup>۴۲</sup>

منطقه حجون علاوه بر اهمیتی که بخاطر مدفون شدگان در این گورستان دارد، از قداست خاصی نیز نزد مسلمانان - خصوصاً اهل سنت - برخوردار است؛ زیرا پیامبر - ص - هنگام مراجعت از مدینه و ورود به مکه، از همین منطقه وارد شهر شده و در همان مکان سکونت داشتند.

محمد بن جبیر بن مطعم از پدربزرگش نقل می‌کند که: «پیامبر - ص - در فتح مکه در

حجون داخل خیمه‌ای زندگی می‌کرد و برای هر نماز به مسجد می‌آمد.»

ازرقی نیز می‌نویسد: «پیامبر - ص - پس از هجرت به مدینه، در سفر به مکه به خانه‌های مکه پای نگذاشت و هرگاه طواف ایشان تمام می‌شد به منطقه بالای مکه - در حجون - می‌رفت و در خیمه‌هایی که برای آن حضرت سرپا کرده بودند اقامت داشت و از همان جا به مسجدالحرام می‌آمد و برمی‌گشت.»<sup>۴۳</sup>

ابوموسی اشعری نیز پس از مراجعت از صفین در درّه ابی دب ساکن شد. وی می‌گفت: «می‌خواهم همسایه قومی باشم که مکر و نیرنگ نمی‌کنند.» و مقصودش مردگان بود.<sup>۴۴</sup> در تاریخ آمده است: هنگام ولادت رسول خدا - ص - شنیده شد: گوینده‌ای بر بالای حجون می‌گوید:

فَأَقْسَمَ مَا أُنْشَى مِنَ النَّاسِ أَنْجِبَتْ      وَلَا وَلَدَتْ أُنْشَى مِنَ النَّاسِ وَاحِدَهُ  
 «سوگند می‌خورم که هیچ زنی از مردم نزاییده، و هیچ مادری نوزادی به دنیا نیاورده است.»  
 كَمَا وَلَدَتْ زَهْرِيَّةٌ ذَاتَ مَفْخَرٍ      مَجْنِبَةٌ لُؤْمِ الْقَبَائِلِ مَا جَدَهُ  
 «چنانکه این مادر سپید روی بالنده، و پیراسته از پستی قبایل و گرانمایه، نوزاد به دنیا آورده است.»<sup>۴۵</sup>

همچنین ابی سلمه می‌گوید: «پیامبر به هنگام فتح مکه بر حجون ایستاده و - خطاب به شهر مکه - فرمودند:

«به خدا سوگند که تو بهترین و محبوب‌ترین سرزمین‌ها در نظر خداوندی و اگر مرا از تو بیرون نکرده بودند هرگز از تو بیرون نمی‌رفتم، جنگ و خونریزی در این سرزمین برای هیچکس پیش از من روان نبوده و برای هیچکس پس از من نیز روان نیست.»<sup>۴۶</sup> فرزند اباذر نیز در دامنه حجون خانه‌ای داشته و در آن زندگی می‌کرده است.<sup>۴۷</sup>

برخی گمان می‌کنند پیامبر - ص - و برخی از خاندان و یارانش نزدیک به سه سال در همین منطقه به محاصره قریشیان درآمده، و اینجا را شعب ابی طالب معرفی می‌کنند، لیکن این گمان نادرست است.

در شماره سوم از میقات حج، ص ۱۴۹ به تفصیل آن را بررسی، و با استفاده از منابع و مدارک معتبر ثابت نموده‌ام، که شعب ابی طالب در نزدیکی مسجدالحرام و در کناره کوه ابوقبیس واقع شده است.



## پاورقی ها:

- ١ - عقد الثمین، ج ١، ص ٢٢٢.
- ٢ - اخبار مکہ، ازرقی، ص ٤٧١ - معجم معالم الحجاز، ص ٥٦.
- ٣ - معجم البلدان، ج ٣، ص ٣٤٧.
- ٤ - لسان العرب، ص ٧٩٢ - ٧٩١، دارالکتب المصری.
- ٥ - مرآة الحرمین، ص ٣١، دارالمعرفة، بیروت. یا شفاء الغرام، ج ١، ص ٢٨٥ (دیده شود).
- ٦ - اخبار مکہ، ازرقی، ص ٤٧٣.
- ٧ - همان مدرک.
- ٨ - شفاء الغرام باخبار البلد الحرام، ج ١، ص ٢٨٤.
- ٩ - فقه العبادات (الحج)، ص ٢٠٥.
- ١٠ - ازرقی، اخبار مکہ، ص ٤٧٠.
- ١١ - الاغانی، ج ١، ص ٣٢٢ - ازرقی، اخبار مکہ، ص ٥٢٠ - ٤٧٣.
- ١٢ - الاغانی، ج ١، ص ٢١٨.
- ١٣ - همان.
- ١٤ - الاغانی، ج ١٩، ص ٧٨.
- ١٥ - ازرقی، اخبار مکہ، ص ٤٧٠.
- ١٦ - همان.
- ١٧ - شفاء الغرام باخبار البلد الحرام، ج ١، ص ٢٨٥.
- ١٨ - همان.
- ١٩ - فقه العبادات (الحج) حسن ایوب، ص ٢٠٥.
- ٢٠ - لسان العرب، ص ٧٩٢ - ٧٩١.
- ٢١ - فی رحاب بیت الله الحرام، ص ٢٥٢.
- ٢٢ - محمد حسین هیکل، فی منزل الوحی، ص ٢١٠.
- ٢٣ - ابراهیم رفعت پاشا - مرآة الحرمین، ص ٣٣٩.
- ٢٤ - عقد الثمین، ج ١، ص ١٤٧.
- ٢٥ - مرآة الحرمین، ص ٣١. فقه العبادات، ص ٢٠٥.
- ٢٦ - همان.
- ٢٧ - همان.
- ٢٨ - همان.
- ٢٩ - ابن اثیر، اسد الغابه فی معرفة الصحابه، ج ١، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

- ۳۰- مرآة الحرمين، ص ۳۱. فقه العبادات (الحج) حسن ایوب، ص ۲۰۵.
- ۳۱- بحار الانوار، ج ۱۹، ص ۲۰.
- ۳۲- همان.
- ۳۳- ابن اثیر، البداية و النهایة، ج ۳، ص ۲۹۴.
- ۳۴- یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۰.
- ۳۵- اخبار مکه ازرقی، ترجمه آیتی، ص ۴۷۱- تهران ۱۳۶۸.
- ۳۶- فی رحاب بیت الله الحرام، ص ۲۵۸- ۲۵۲. حسن ایوب، فقه العبادات الحج، ص ۲۰۵.
- ۳۷- فی رحاب بیت الله الحرام، ص ۲۵۸.
- ۳۸- ابن هشام. سیره، ص ۱۷۷، ج ۱، چاپ مصر ۱۳۵۵ هجری قمری. محمد بن سعد، طبقات، ص ۷۳، بخش اول، ج ۱، چاپ ادوارد ساخا و بریل.
- ۳۹- المغانم المطابه فی معالم طابه، ص ۶.
- ۴۰- محمد حسین هیکل، فی منزل الوحی، ص ۲۱۰.
- ۴۱- همان، ص ۲۱۲.
- ۴۲- پاشا، مرآة الحرمين، ص ۳۲- ۳۱.
- ۴۳- ازرقی، اخبار مکه، ص ۴۳۰.
- ۴۴- همان، ص ۵۱۹.
- ۴۵- سبل الهدی والرشاد، ج ۱، ص ۴۲۶.
- ۴۶- ازرقی، اخبار مکه، ص ۴۲۶، تهران ۱۳۶۸.
- ۴۷- ازرقی، ترجمه اخبار مکه، ص ۴۳۱- ۴۳۰، تهران ۱۳۶۸.